

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیستم، شماره هفتاد و هفتم

بهار ۱۳۹۸

بینش و روش در تاریخ‌نگاری شیخ صدوق

(مطالعه موردی عیون اخبارالرضا علیه السلام)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۲۴

تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۴/۶

۱ روح الله توحیدی نیا

۲ محمدعلی توحیدی نیا

شناخت تحلیلی مجموعه تاریخ‌نگاری روایی امامیه در گرو توجه به ضوابط، معیارها و قواعد تاریخ‌شناسی است. این مقاله می‌کوشد، کتاب عیون الاخبار عن الرضا علیه السلام اثر شیخ صدوق (د. ۳۸۱ق) را که از مهم‌ترین آثار در زمینه تاریخ و زندگانی امام رضا علیه السلام است از این منظر واکاوی کند و با تحلیل گزاره‌های تاریخی این کتاب، راهی برای دست یافتن به بینش و روش تاریخ‌نگاری شیخ صدوق بجوید. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که شخصیت حدیثی و کلامی شیخ صدوق، تأثیر مهمی در روش تاریخ‌نگاری وی داشته است.

کلیدواژگان: شیخ صدوق، عیون الاخبار عن الرضا علیه السلام، تاریخ‌نگاری روایی، تاریخ‌نگاری امامیه، بینش تاریخی، روش تاریخ‌نگاری.

۱. دانش آموخته حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری رشته تاریخ اسلام دانشگاه تهران
(roholahthohidi@yahoo.com).

۲. دانش آموخته موسسه تخصصی کلام امام صادق علیه السلام و دانشجوی ارشد تاریخ تشیع پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (matohidi@alumni.rihu.ac.ir).

۱. مقدمه

آشنایی با تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری مورخان، نقش مستقیمی در بهره‌مندی از آثار آنان دارد. به عبارتی عدم آگاهی از نوع نگاه و رویکرد مورخان نسبت به رویدادهای تاریخی و عدم توجه به روش‌های آنان در ثبت رویدادها، سبب انحراف در تحقیقات و کاهش سطح کیفی توصیف و تحلیل تاریخی خواهد شد.

وقتی سخن از بررسی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری مورخان سده‌های نخستین اسلامی به میان می‌آید، به معنای آن نیست که آنان به مسائل و پیچیدگی‌های فیلسوفان تاریخ امروز توجه دارند و یا روش‌شناسی سامان‌مند و امروزی را پی‌گیری کرده‌اند. بلکه تلاش می‌شود تا به نگرش‌های بنادین مورخان که در آثار آنان نقش دارند، دست یابیم و دغدغه‌های روشی آنان را بررسی کنیم.

تاریخ و سیره معصومان علیهم‌السلام از مهم‌ترین، حوزه‌های تاریخ‌شناسی شیعیان است که در بیشتر موارد به‌وسیله محدثان به ثبت رسیده است. این موضوع سبب شده است، این پرسش به وجود آید که آیا می‌توان آنان را مورخ و آثارشان را تاریخ‌نگاری دانست؟ در این راستا، مقاله حاضر، فرضیه فعالیت تاریخ‌نگاری یکی از محدثان و متکلمان بزرگ امامیه را به آزمون می‌گذارد.

طبیعی است که در صورت اثبات فرضیه، بینش تاریخ‌نگار بر روش تاریخ‌نگاری وی اثرگذار خواهد بود. با این توضیحات، روی‌آورد تحقیق^۱، بهره‌گیری از روش توصیفی و تحلیلی در معرفی مجموعه تاریخ‌نگاری روایی امامیه و تعیین جایگاه تاریخ‌نگاری شیخ صدوق (د. ۳۸۱ق) در آن است و سپس بررسی رویکردهای مؤثر بر تاریخ‌نگاری شیخ صدوق با مطالعه ابواب و گزاره‌های تاریخی *عیون اخبار الرضا* علیه‌السلام خواهد بود.

۱. روی‌آورد مانند راهی برای نزدیک شدن به مسئله و رهیافتی برای شکار نظریه است (قراملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی، ص ۲۲۷).

علاوه بر اهمیت دست‌یابی به بینش و روش تاریخ‌نگاری شیخ صدوق برای بهره‌مندی از اثر وی، تأکید بر این نکته ضروری است که بینش و روش تاریخ‌نگاران در حوزه سیره معصومان علیهم‌السلام با بررسی آثارشان در دسترس خواهد بود و با شناخت ویژگی‌های تاریخ‌نگاری آنان، می‌توان به صورت عالمانه و روشمند از آثار مکتوب آنان بهره برد. بنابراین، مقاله حاضر می‌تواند پیش‌درآمدی برای سطح بندی فعالیت تاریخی نویسندگان تاریخ زندگانی معصومان علیهم‌السلام از جهت میزان توجه آنان به قواعد تاریخ‌شناسی باشد.

۲. پیشینه تحقیق

تحقیقی که به طور مستقیم به مسئله تحقیق حاضر پاسخ دهد، یافت نشد اما پیشینه و پژوهش‌های همسو با تحقیق حاضر در سه بخش معرفی می‌شود. بخش نخست، شامل تحقیقاتی است که به ویژگی‌های تاریخ‌نگاری محدثان^۱ به ویژه شیخ صدوق^۲ می‌پردازند که مقاله بررسی دو اثر تاریخ‌نگاری شیخ صدوق اثری مهم در این زمینه است.^۳

۱. برای نمونه، منصور داداش‌نژاد، «تاریخ‌نگاری شیعیان در سده‌های نخستین»، نامه تاریخ پژوهان، ۱۳۸۶، سال سوم، ش ۱۰؛ قاسم خانجانی، شیخ مفید و تاریخ‌نگاری؛ منصوره بخشی، تاریخ‌نگاران امامیه از قرن سوم تا هفتم.

۲. برای نمونه می‌توان از این تحقیقات نام برد: مجید معارف، محدث صادق؛ سید محسن موسوی، زمینه‌ها و سرچمه‌های فکری شیخ صدوق؛ صمد عبداللهی، «معانی الاخبار و سبک مؤلف در نگارش آن»، شیعه‌شناسی، ۱۳۸۶، ش ۲۰؛ عاطفه زرسان، «روش شیخ صدوق در کمال الدین و تمام النعمه»، حدیث پژوهی، ۱۳۹۲، ش ۹؛ مهدی جلالی، «نگاهی به فراز و فرود کارنامه حدیث‌نگاری شیخ صدوق»، کتاب‌قیم، ۱۳۹۰، ش ۲؛ آندره جی نیومن، دوره شکل‌گیری تشیع دوازده امامی.

۳. نعمت‌الله صفری فروشانی، «بررسی دو اثر تاریخ‌نگاری شیخ صدوق»، فصلنامه نامه تاریخ پژوهان، ۱۳۸۶، ش ۱۰.

نویسنده این مقاله به صورت فشرده و با نگاهی گذرا به ارزیابی سندی و متنی *عیون اخبارالرضا* و *کمال الدین و تمام النعمه* می‌پردازد، اما عوامل مؤثر بر تاریخ‌نگاری وی را بررسی نمی‌نماید و به روش‌های تاریخ‌نگاری شیخ صدوق در ابعاد مختلف نمی‌پردازد.

بخش دیگر پیشنهاد تحقیق، بررسی‌های صورت گرفته در راستای فهم بینش و روش مورخان است که برای نمونه می‌توان از مقالاتی، چون *بینش و روش در تاریخ‌نگاری عتبی*^۱، *بینش و روش در تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری حمدالله مستوفی*^۲ و *بینش و روش در تاریخ‌نگاری حافظ ابرو*^۳ نام برد. شخصیت‌ها و آثار مورد بررسی در این تحقیقات، کمتر به تاریخ معصومان *علیهم‌السلام* می‌پردازند، اما تحقیق حاضر از ساختار پژوهش آنها بهره گرفته است.

بخش سوم، تحقیقات کلامی و حدیثی است که به روش تاریخ‌نگاری شیخ صدوق اشاره می‌کنند. بدیهی است که برای شناخت بستر حیات نویسنده و اندیشه وی باید به این آثار مراجعه کرد. برای معرفی این گروه از آثار می‌توان به کتاب‌هایی، چون *مکتب حدیثی قم*^۴ و *جستارهایی در مدرسه کلامی قم*^۵ اشاره کرد. همچنین، کتاب *شیخ صدوق*^۶ که در

۱. اسماعیل حسن زاده، «بینش و روش در تاریخ‌نگاری عتبی»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، ۱۳۸۸، ش ۳.

۲. ذکراالله محمدی و مسعود آدینه‌وند، «بینش و روش در تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری حمدالله مستوفی»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، ۱۳۹۳، ش ۱۴.

۳. محبوبه شرفی و معصومه حاج عینی، «بینش و روش در تاریخ‌نگاری حافظ ابرو»، *مطالعات تاریخ اسلام*، ۱۳۹۴، ش ۲۴.

۴. محمدرضا جباری، *مکتب حدیثی قم*.

۵. جمعی از نویسندگان، *جستارهایی در مدرسه کلامی قم*.

۶. سید حسن طالقانی، *شیخ صدوق، پژوهشکده کلام و فلسفه اسلامی*.

راستای طرح کلان‌اندیشه نامه متکلمان امامیه به چاپ رسیده است و مقدمه مؤسسه امام هادی علیه السلام بر کتاب *الهدایة*^۱ را می‌توان از تحقیقات مهم در پیشینه مقاله حاضر دانست.

۳. شیخ صدوق و تاریخ‌نگاری روایی امامیه

ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق، از بزرگ‌ترین علمای امامیه در عصر آل بویه (۳۲۰-۴۴۷ق) است که با توجه به هم دوره بودن ایشان با آغاز غیبت کبری (۳۲۹ق) و آثار متعدد حدیثی، کلامی و تاریخی، نقشی کلیدی در تدوین میراث اهل بیت علیهم السلام دارد.^۲

علاوه بر آن، آثار شیخ صدوق را می‌توان آینه تمام‌نمای نگرش‌های حدیثی و کلامی شیعه در این قرون دانست.^۳ این امر در کنار پرداختن به تاریخ، ثبت وقایع گذشته پیامبران و ائمه علیهم السلام و توجه به رویدادهای سیاسی و اجتماعی عصر ائمه علیهم السلام که در ادامه به آن می‌پردازیم، سبب می‌شود دست‌یابی به تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری شیخ صدوق، اهمیتی فراوان یابد.

بررسی کتاب‌های مفقود شیخ صدوق^۴ چون *تاریخ*، *اخبار*، *اوائل*، *اواخر* و *فضایل* با توجه به عناوینی که در نام آنها وجود دارند، نشان می‌دهد که وی نه تنها به گزارش‌های تاریخی و کتاب‌های نوشته شده با این عناوین مشهور است، بلکه در موارد متعدد از آنها

۱. صدوق، *الهدایة*.

۲. برای اطلاع بیشتر درباره وی و آثار ایشان، رک: نجاشی، *رجال*، ص ۳۸۹ - ۳۹۲؛ ابن‌الدیم، *فهرست*، ص ۲۴۶.

۳. برای اطلاع بیشتر، رک: رحمتی، *نکاتی درباره اهمیت آثار شیخ صدوق*، ۱۹۶-۲۵۰.

۴. برای مشاهده آثار تاریخی شیخ صدوق، رک: نجاشی، *رجال*، ص ۳۸۹-۳۹۲؛ طوسی، *فهرست*، ص ۲۳۸؛ عاملی، *اعیان‌الشیعه*، ج ۱۰، ص ۲۴-۲۵؛ هم‌چنین برای مشاهده آثار تاریخ‌نگاران امامیه تا قرن هفتم و آثار آنان، رک: بخشی، *تاریخ‌نگاران امامیه از قرن سوم تا هفتم*، ص ۷۷-۵۱۷.

در آثار خود بهره می‌برد. با این حال، این پرسش مهم پا برجا است، آیا می‌توان فعالیت وی در گزارش وقایع را تاریخ‌نگاری و به عبارتی هماهنگ با قواعد تاریخ‌شناسی دانست؟

در یک تعریف، تاریخ‌نگاری کوششی برای انتقال روح و اطلاعات زمانه به وسیله مورخ با قالب‌های ویژه است.^۱ این مفهوم بر این اساس در مقابل مفهوم وقایع‌نگاری قرار می‌گیرد که در آن، تنها بر ثبت دیده‌ها به وسیله شخص حاضر در حادثه و یا ثبت شنیده‌ها تمرکز می‌شود. شاید مهم‌ترین وجوه تمایز این دو مفهوم از یکدیگر، آن است که تاریخ‌نگاری پیوندی ناگسستنی با شخصیت، جایگاه، موقعیت اجتماعی، فکری و انسانی مورخ دارد، اما وقایع‌نگار می‌تواند فارغ از هر نوع پیش ذهن به نگارش آنچه دیده یا شنیده است، بپردازد.^۲

بر این اساس، می‌توان این ادعا را طرح نمود که بخشی از منابع به‌جای مانده امامیه در حوزه تاریخ و سیره معصومان علیهم‌السلام که به وسیله محدثان نوشته شده است در مبحث تاریخ‌نگاری قرار می‌گیرد؛ زیرا با وجود تأثیر رویکرد حدیثی و کلامی نویسندگان در گزارش‌های تاریخی در بسیاری موارد، نویسندگان بر اساس نوع فهم، نوع نیاز و نوع تعریف خویش و در مرحله بعد، نوع تعریفی که مخاطبان از تاریخ دارند و در مرحله سوم، آن اندیشه نهایی که بر اساس آن به تاریخ روی می‌آورد، به تاریخ می‌نگرد.^۳

۱. حضرتی، حسن، تأملاتی در علم تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی، ص ۹۶.

۲. ر.ک: همان، ص ۸۴-۸۵.

۳. ر.ک: همان، ص ۸۴؛ برای نمونه درباره اهداف، ر.ک: خانجانی، شیخ مفید و تاریخ‌نگاری، ص ۵۵-۵۸؛

درباره اندیشه‌های ناظر بر تاریخ‌نگاری وی، ر.ک: همان، ص ۱۰۱-۱۱۷.

با این حال، از آن جا که رویکرد حدیثی که از مهم‌ترین عناصر آن، گزارش اخبار به‌وسیله افراد مورد اطمینان است در تمامی آثار یاد شده، قابل پی‌گیری است، این آثار را می‌توان در مجموعه‌ای با عنوان تاریخ‌نگاری روایی امامیه^۱ بررسی کرد.

در این مقام، طرح دو نکته می‌تواند شبهات احتمالی را بر طرف کند. نخست آن که تردیدی نیست، میزان توجه به قواعد و ضوابط تاریخ‌شناسی با توجه به وضعیت و نیازهای متفاوت زمانی و مکانی و افکار نویسنده، نمی‌تواند یکسان باشد. دیگر آن که اثبات ادعای یاد شده و قرار دادن میراث به جای مانده از محدثان در مجموعه یاد شده، پس از بررسی اثر و میزان تطبیق آن با معیارهای تاریخ‌شناسی صورت خواهد گرفت.

با این مقدمات می‌توان ابواب شامل گزاره‌های تاریخی در *عیون اخبار الرضا* را یکی از بخش‌های تاریخ‌نگاری روایی امامیه دانست. این مطلب با تمرکز بر ویژگی‌های تاریخ‌نگاری شیخ صدوق و تطبیق و هماهنگی تاریخ‌نگاری وی با دیگر مورخان، بیشتر نمایان می‌گردد که در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌شود.

۳-۱. گزینش، دسته‌بندی و چینش اخبار

یکی از ویژگی‌های مهم فعالیت مورخان، تلاش برای گزینش اخبار و ارائه برداشت و فهمی مشخص از رویدادها بر اساس گزینش است.^۲ این ویژگی در آثار بسیاری از مورخان متقدم، چون یعقوبی مشاهده می‌شود.^۳ شیخ صدوق در برخی موارد با آن که به گزارش‌های متعدد دست‌رسی دارد، از بیان آنها در *عیون اخبار الرضا* خودداری می‌کند.^۴

۱. رک: توحیدی نیا، روح الله و صفری فروشانی، نعمت الله، «بررسی تحلیلی تاریخ‌نگاری روایی امامیه تا

نیمه قرن پنجم»، *فصلنامه تاریخ اسلام*، ۱۳۹۴، ش ۶۴.

۲. برای نمونه: حضرتی، روش پژوهش در تاریخ‌شناسی، ص ۲۹-۳۳، ۸۸.

۳. طیبی، تاریخ‌نگاری یعقوبی سیری در روش و درونمایه، ص ۴۴.

۴. چنان‌که می‌توان از برخی اخبار موجود در کافی درباره تاریخ زندگانی امام رضا علیه السلام یاد کرد که برخی

در *عیون* بیان می‌شود و برخی بیان نمی‌شود. برای نمونه رک: کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۲۱؛ ج ۶، ص ۴۷۹.

نکته مهم آن است که شیخ صدوق به بیان اخبار اکتفا نمی‌کند و انتخاب روایت‌ها از طریق مقایسه و استدلال برای باز آفرینی صورت می‌گیرد. به عبارتی، تاریخ‌نگار آنچه را که مناسب با دیدگاه‌های خود می‌بیند از میان واقعیت‌های تاریخی برمی‌گزیند و دسته بندی می‌کند. تحقق این موضوع در گزاره‌های تاریخی *عیون اخبار الرضا*، نشان دهنده توجه شیخ صدوق به تحلیل و ارزیابی حوادث است.^۱

علاوه بر گزینش و دسته بندی، شیخ صدوق تلاش می‌کرد پیش از بیان اخبار به طرح زمینه و مقدمات آن پردازد. به عبارت دیگر، او با گزارش اخباری که از جهت زمانی مقدم هستند، زمینه را برای طرح و پذیرش خبری دیگر فراهم می‌کند.

برای نمونه، ابتدا در اخباری، هدف و مقصود شاعران را از مراجعه به امام رضا علیه السلام (د. ۲۰۳ ق) بیان می‌کند و سپس درباره ورود آنان نزد آن حضرت را گزارش می‌دهد.^۲ بررسی چنین روایت‌ها نشان می‌دهد که گاه شیخ صدوق، استدلالی کامل را به وسیله طرح اخبار می‌کند. چنان‌که درباره دلیل پذیرش ولایت‌عهدی از سوی امام علیه السلام، از طرفی مجبور بودن امام علیه السلام در مهاجرت به مرو و حقانیت امام علیه السلام و از سوی دیگر ثمرات و لزوم قرار گرفتن امام علیه السلام در منصب ولایت‌عهدی را به عنوان مقدمات نتیجه‌گیری درباره کیفیت پذیرش ولایت‌عهدی بیان می‌کند.^۳

۲-۳. حضور عنصر رخداده در موضوعات تاریخی

بر اساس مبانی معرفت‌شناسی سنتی، موضوع، عمده‌ترین معیار تفکیک معارف است.^۴ بررسی‌ها نشان می‌دهد که به لحاظ موضوعی، رخداد یکی از اجزای جدایی‌ناپذیر هر اثر

۱. برای نمونه، رک: صدوق، *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، ج ۲، ص ۳۳۷.

۲. همان، ص ۲۵۸.

۳. همان، ص ۲۸۵-۳۱۰.

۴. کاکایی، *عرضی ذاتی به عنوان معیار تمایز علوم*، ص ۱-۳.

تاریخ‌نگارانه است.^۱ بنابراین از آن‌جا که موضوع محوری در گزاره‌های تاریخی کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام، رخدادهای تاریخی، چون ولایت عهدی امام رضا علیه السلام است، این اثر متنی تاریخ‌نگارانه است. با مطالعه این بخش می‌توان دریافت که شیخ صدوق در بیان رویداد تاریخی، نقطه شروع و پایانی را ترسیم می‌کند و مطابق با آن، اخبار را در جای خود قرار می‌دهد. چنان‌که به ترتیب به موارد زیر می‌پردازد.^۲

الف. چگونگی تصمیم مأمون (د. ۲۱۸ق) برای قرار دادن امام رضا علیه السلام به عنوان خلیفه؛
 ب. فرستادن نامه از سوی مأمون برای ایشان؛ ج. ارسال نمایندگان از سوی مأمون برای آوردن امام علیه السلام به مرو؛ د. فضا سازی مأمون در میان مردم برای اقدامش؛ ه. تلاش‌های امام علیه السلام برای نشان دادن باطن تصمیم مأمون به شیعیان؛ و. مراسم بیعت با امام علیه السلام به عنوان ولی عهد؛ ز. خطبه‌های بزرگان و اقدام شاعران پس از مراسم؛ ح. چگونگی ناکام ماندن مأمون با فعالیت‌های امام رضا علیه السلام و ت. تصمیم مأمون برای به شهادت رساندن امام علیه السلام.

به عبارت دیگر، توجه به عنصر رخداد سبب می‌شود شیخ صدوق رویدادها را جدا و پراکنده نبیند و تلاش کند وقایع گذشته را به صورت مستمر، زنجیروار و با در نظر داشتن ارتباط ساختاری بین اجزای مختلف مشاهده نماید.^۳ این موضوع در آثار دیگر مورخان، چون یعقوبی (د. ۲۸۴ق) دیده می‌شود.^۴ مرور فهرست کلی و فهرست اخبار ابواب عیون اخبار الرضا علیه السلام، ارتباط بین اخبار را در این کتاب نمایان می‌سازد.^۵

۱. برای اطلاع بیشتر در این باره، رک: آغایلی، نقش موضوع در روشن ساختن مفهوم متن تاریخ‌نگارانه، ص ۱۷-۲۰.

۲. برای ملاحظه ترتیب یاد شده، رک: صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، بخش فهرست اخبار.

۳. پاکتچی، روش شناسی تاریخ، ص ۳۴۶.

۴. طیبی، تاریخ نگاری یعقوبی سیری در روش و درونمایه، ص ۴۶.

۵. صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، بخش فهرست اخبار.

۳-۳. بیان دسته‌های خبری و آرای گوناگون

یکی از ویژگی‌های فعالیت مورخان، توجه به آرای گوناگون درباره یک رویداد است. برای نمونه برخی، چون طبری (د. ۳۱۰ق) بیان دسته‌های خبری را که از آرای گوناگون دفاع می‌کنند در دستور کار خود قرار می‌دهند.^۱ یکی از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری شیخ صدوق آن است که وی به اخبار متعارض در یک موضوع توجه دارد و گاه برای ارائه آرای گوناگون، هر دو دسته روایت‌ها را بیان می‌کند.

او در موارد معدودی به طور صریح، رأی نهایی خود را درباره چگونگی واقعه اعلام می‌کند و در بیشتر موارد، عقیده وی تنها با مشاهده نوع بیان اخبار و شکل کلی عبارات قابل فهم است. برای نمونه، درباره چگونگی نام‌گذاری امام رضا علیه السلام به این لقب، دو گروه از روایت‌ها را می‌آورد و در نهایت با توجه به تعداد روایت‌های یک دسته و جمله‌بندی اخبار می‌توان احتمال داد که وی نام‌گذاری از سوی خداوند، پیامبر صلی الله علیه و آله (د. ۱۱ق) و امام کاظم علیه السلام (د. ۱۸۳ق) را می‌پذیرد.^۲

هم‌چنین در پاسخ به زمان میلاد و شهادت حضرت رضا علیه السلام با بررسی گروه‌های مختلف اخبار می‌توان در برخی جزئیات به نتایجی رسید.^۳ البته در برخی موارد، وی تنها به بیان آرای مختلف از منابع گوناگون می‌پردازد و مشخص نیست که کدام سخن را ترجیح می‌دهد. چنان‌که در اخبار مربوط به مهاجرت امام رضا علیه السلام به مرو، اخباری را بیان می‌کند که گاه از جهت مکانی، قابل جمع نیست و هیچ عقیده‌ای از سوی نویسنده درباره آن بیان نمی‌شود.^۴

۱. برای اطلاع از روش یاد شده در تاریخ‌نگاری طبری، رک: محمودی، روش‌تاریخ‌نگاری محمد بن

جریر طبری، ص ۳۴-۳۸.

۲. صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۹-۲۲.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۰، ۳۰؛ ج ۲، ص ۴۶۶-۴۷۱.

۴. همان، ج ۲، ص ۲۳۸-۲۴۱.

۳-۴. توجه به آرای دیگر مورخان و محدثان در گزارش واقعه

یکی از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری شیخ صدوق، توجه به بیان اخباری است که از سوی برخی محدثان و مورخان در گزارش واقعه خاصی بیان می‌شود. برای نمونه در موضوع مربوط به مادر امام رضا علیه السلام، نام‌هایی، چون سکن النوبیه، اروی، نجمه، سمانه و کئیه ام البنین از سخن دیگر اخباریان طرح می‌کند^۱ و یا در موارد متعددی به شهرت یک رأی در بین مورخان اشاره می‌نماید.

برای نمونه می‌توان به عبارت «و حدثنی بهذا الحدیث غیر واحد من المشایخ عن محمد بن ابی عبدالله کوفی»^۲ اشاره کرد. بررسی منابع شیخ صدوق نشان دهنده ویژگی یاد شده است که برای نمونه می‌توان به دو تک‌نگاری مربوط به امام رضا علیه السلام؛ یعنی وفات الرضا علیه السلام نوشته ابوالصلت هروی (د. ۲۳۶ق)^۳ و اخبار علی بن موسی الرضا علیه السلام نوشته عبدالعزیز بن یحیی جلودی (د. ۳۳۲ق)^۴ اشاره کرد.

البته، توجه به رأی مورخان دیگر به معنای پذیرش آرای ایشان نیست. چنان‌که در موارد متعددی، گزارشی ارائه می‌شود که از جهت چگونگی وقوع حادثه، با اخبار موجود پیش از عصر شیخ صدوق تفاوت دارد. برای نمونه، شیخ صدوق در بخش مربوط به ولایت‌عهدی امام رضا علیه السلام، اخبار جدیدی را ارائه می‌کند و به سخن شیخ کلینی (د. ۳۲۹ق) که به عنوان رأی مشهور موجود بوده است، تکیه نمی‌کند.^۵

۱. همان، ص ۲۵.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۳۵.

۳. نجاشی، رجال، ص ۲۴۵.

۴. همان، ص ۲۴۴.

۵. صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹-۳۳.

او گاه با طرح دلایلی به رد دیگر آرا در یک موضوع می‌پردازد. برای نمونه به اعتقاد شیخ صدوق، انتخاب امام رضا علیه السلام از سوی مأمون و با تصمیم مستقیم او صورت گرفته است، نه از سوی فضل بن سهل (د. ۲۰۳ق)؛ زیرا فضل به این دلیل که تربیت یافته برمکیان بوده است، پیوسته با امام علیه السلام به دشمنی می‌ورزید و چنین شخصی نمی‌تواند پیشنهاد دهنده امام رضا علیه السلام به عنوان ولیعهد باشد. شیخ صدوق با ارائه این دلیل به صورت صریح، سخن نویسنده *اخبار ولایة خراسان*^۱ را نادرست می‌داند.^۲

۳-۵. توجه به مجموع قراین در ارزیابی خبر

بررسی‌ها نشان می‌دهد که مبنای قدمای محدثان امامیه در صحت خبر، وثوق و اعتماد به صدور روایت از ناحیه معصوم علیه السلام بوده است. این اعتماد در نزد آنان ممکن بود با بررسی سندی و یا از طریق شواهد و قراین خارجی کسب شود.^۳ این روش در ارائه گزاره‌های تاریخی به‌وسیله شیخ صدوق مشاهده می‌شود. چنان‌که به ندرت اخباری بیان می‌شود که منتسب به امام علیه السلام بوده است و به‌وسیله خود ایشان بیان شده است. به عبارت دیگر، وی در موارد متعدد به سخن اصحاب آن حضرات، بینندگان رویدادها، منتسبان و خویشاوندان کسانی که خبر را مشاهده کرده‌اند، اعتماد می‌کند و خبر به خود معصوم منتهی نمی‌شود.

شواهد دیگری برای توجه شیخ صدوق به مجموع قراین وجود دارد. برای نمونه، شیخ صدوق پس از بیان یک خبر، با به کار بردن عبارت «*انا بریء من عهدہ صحته*»

۱. این اثر نوشته حسین بن احمد سلامی (د. قرن ۴) است که به سرگذشت رویدادها و زندگی برخی سیاستمداران ایرانی اهل خراسان می‌پردازد (برای اطلاع بیشتر، رک: ابوعلی سلامی، مقدمه کتاب *اخبار ولایة خراسان*).

۲. صدوق، *عیون اخبارالرضا علیہ السلام*، ج ۲، ص ۳۰۷.

۳. فیض کاشانی، *الوافی*، ج ۱، ص ۲۲؛ مدیر شانه چی، *علم‌الحدیث*، ص ۱۴۶.

تأکید دارد که تنها ناقل خبر است و درستی آن را برعهده نمی‌گیرد.^۱ این در حالی است که سند این خبر در اخبار دیگر تکرار شده است^۲ اما در آن موارد به ضعف روایت اشاره نمی‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد، شیخ صدوق به دلیل مسائلی که در ارتباط با مضمون خبر و نه سند آن بوده است، خود را از درستی آن میرا می‌داند.

۴. رویکردهای مؤثر بر تاریخ‌نگاری شیخ صدوق

بررسی گزاره‌های تاریخی عیون اخبارالرضا^{علیه السلام} نشان دهنده آن است که نگاه و بینش شیخ صدوق، نقش مستقیمی در تاریخ‌نگاری وی دارد که در ادامه بررسی می‌شود.

۴-۱. بینش نص گرایانه انتقادی

بخش مهمی از زندگانی شیخ صدوق، حضور وی در جلسات و محافل علمی و ارتباط وی با بزرگان امامیه در مهم‌ترین و فعال‌ترین حوزه امامی‌مذهبان در قرن سوم و چهارم^۳ گذشت که بعدها به مدرسه حدیثی قم در برابر مدرسه کلامی بغداد مشهور شد. در مدرسه کلامی بغداد، حدیث بخش جدایی ناپذیر آموزه‌های دینی بود. با این حال، مدرسه کلامی بغداد با قرار دادن عقل در جایگاهی بالاتر، خود را از مدرسه قم که بر بیان حدیث متمرکز بود و این روش را از قرن دوم^۴ تا دوره غیبت^۵ ادامه داد، جدا نمود. حضور شیخ صدوق در قم سبب شد، آثار وی متأثر از مبانی و روش‌های این مکتب^۱ باشد. نخستین ویژگی روش حدیثی، گرایش شدید به ظاهر حدیث و پرهیز از دخالت دادن

۱. صدوق، عیون اخبارالرضا^{علیه السلام}، ج ۲، ص ۴۶۲.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۰.

۳. درباره شهرت مباحث حدیثی در قم و مراجعه عالمان دیگر به آن؛ رک: طوسی، الغیبه، ص ۲۴۰.

۴. کشی، اختیار معرفه الرجال، رقم ۶۰۶-۶۱۰.

۵. برای نمونه درباره ارتباط حدیثی با امام باقر^{علیه السلام} تا امام حسن عسکری^{علیه السلام}، رک: برقی، محاسن،

ص ۲۷، ۲۸، ۵۱، ۶۰.

عقل در فهم و نقادی حدیث است.^۲ بنابراین، همت اصلی دانشمندان این حوزه بر جمع آوری احادیث، ضبط و حفظ آن بود. جالب است که مطابق برخی شواهد، برخی استدلال‌های عقلی که کوششی برای حمایت از شیعیان محسوب می‌شد، به‌وسیله عالمان مکتب حدیث محکوم می‌گردید.^۳

شیخ صدوق متأثر از این مکتب، تمام آموزه‌های دین در موضوعات فقهی، کلامی و تاریخی را تنها در قالب حدیث می‌پذیرد و در کتاب‌های مختلف با اتصال آموزه‌ها از طریق اسناد به معصومان علیهم‌السلام، آنها را ارائه می‌دهد. بینش نص‌گرایانه شیخ صدوق در نگارش گزاره‌های تاریخی کتاب *عیون مشخص* است. چنان‌که هیچ خبری را بدون سند بیان نمی‌کند.

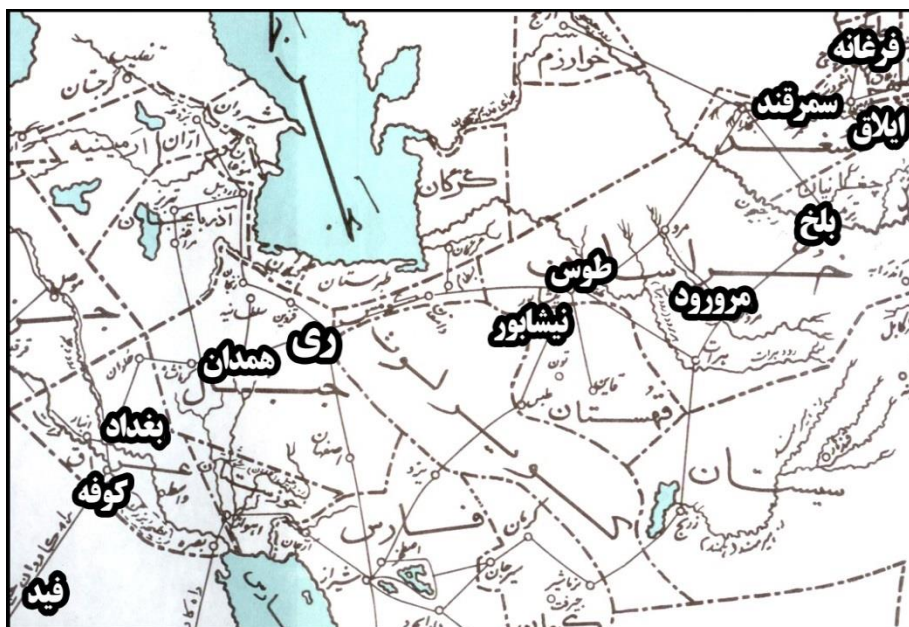
این موضوع، علاوه بر کشف اطلاعات مهم تاریخی به وسیله تحلیل اسناد، نشان می‌دهد که نویسنده کتاب به دنبال جعل خبر نبوده است.^۴ بیان سلسله سند، این امکان را به محقق می‌دهد که برای دستیابی به درستی خبر از راه نقد سند وارد شود. هم‌چنین، اطلاعاتی برای شناسایی مشایخ و راویان اسناد ارائه می‌دهد و از اشتباهات احتمالی جلوگیری می‌کند.^۵

تأثیر دیگر این بینش، آن است که شیخ صدوق برخلاف فعالیت بسیاری از مورخان در موارد متعددی به زمان و مکان تحمل خبر اشاره می‌کند که این خود به ارزش اسناد

۱. برای اطلاع تفصیلی از فراز و فرود مکتب حدیثی قم، ر.ک: جباری، مکتب حدیثی قم، ص ۵۹.
۲. مقصود آن نیست که اهل قم با هرگونه استدلال عقلی برای اثبات یا حل موضوعات دینی و مذهبی مخالف بودند(همان، ص ۱۸۵)؛ بلکه شیوه رایج آن عصر سبب شد مبانی علوم دیگر در انزوا قرار گیرد.
۳. برای نمونه، صدوق، *الاعتقادات فی دین الامامیه*، ص ۷۴؛ مفید، *تصحیح الاعتقاد الامامیه*، ص ۱۶۹.
۴. زیرا در اخبار متعددی، از اشخاص یا طریقی ضعیف روایت نقل کرده‌اند در حالی که می‌توانستند با انتساب خبر به افراد موثق و مورد پذیرش امامیه، اعتماد مخاطبان را جلب نمایند.
۵. برای نمونه، ر.ک: صدوق، *عیون اخبارالرضا علیه‌السلام*، ج ۱، ص ۵۰، ۱۰۸، ۱۲۷، ۱۷۹.

می‌افزاید.^۱ نکته مهم دیگر که کمتر به آن توجه می‌شود، آن است که روش نص گرایانه شیخ صدوق سبب شده است وی برای دستیابی به اخبار، هم‌چون برخی تاریخ‌نگاران دیگر^۲، سفرهای علمی متعددی را در دستور کار خود قرار دهد.

مطابق اطلاعات موجود در اسناد *عیون اخبار الرضا*، وی برای نگارش اثر مورد بررسی، از اخبار به دست آمده در بیش از ده سفر علمی خود بهره برده است. این سفرها در نقشه پایین مشاهده می‌شود.



۱. برای نمونه، رک: همان، ج ۱، ص ۵۹، ۲۲۲، ۲۲۶، ۲۵۳، ۲۶۲.

۲. برای نمونه درباره یعقوبی، رک: یعقوبی، البلدان، ص ۵، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۸، ۱۹.

البته برخی ویژگی‌های اسناد گزارش شده به وسیله شیخ در کتاب *عیون*، سبب آشفتگی محققان برای ارزیابی اخبار به وسیله اسناد خواهد شد، مانند این که بیشتر مشایخ و راویان نام برده در اسناد ناشناخته‌اند.^۱

یکی از ویژگی‌های فعالیت شیخ صدوق آن است که در هنگام بیان خبر، به بیان سند به عنوان ملاکی اساسی توجه می‌کند. بنابراین، در موارد متعدد با آن که سند اخبار، موضوعی یکسان بوده است و این امکان وجود دارد که اخبار را بدون سند بیان کند، بر طرح آن تأکید دارد.^۲

در صورت پذیرش برخی شواهد می‌توان گفت که به عقیده شیخ صدوق، هرگاه سلسله سند تأیید شود، نمی‌توان خبر را کنار گذاشت. چنان که شیخ صدوق پس از بیان روایتی، تأکید می‌کند که در روایت‌ها، گروهی از اسحاق و گروهی از اسماعیل به عنوان ذبیح یاد می‌کنند و چون احادیث با سند صحیح وارد شده‌اند، راهی برای رد آن وجود ندارد.^۳

اهمیت دادن شیخ صدوق به سلسله سند تا اندازه‌ای است که در بسیاری از اسناد، نام مشایخ و راویان متعددی را در هر طبقه بیان می‌کند. برای نمونه می‌توان از خبرهای ۴، ۲۰، ۴۶، ۴۸، ۹۲ *عیون اخبار الرضا* نام برد.^۴ هم‌چنین در مواردی به وجود طرق دیگر

۱. این موضوع را باید به دلیل سفرهای شیخ و نقل روایت از مدارس حدیثی مختلف دانست که در نقشه ارائه شده است و در متن به خوبی مشاهده می‌شود.

۲. برای نمونه، ر.ک: صدوق، *عیون اخبار الرضا*، ج ۱، ص ۲۵-۲۷؛ ج ۲، ص ۳۹-۷۳.

۳. همان، ص ۳۲۴.

۴. برای نمونه در خبر شماره ۴ این کتاب، هم‌زمان از پدرش ابن بابویه (د. ۳۲۹ق)، محمد بن موسی بن متوکل و محمد بن علی بن ماجیلویه نام برده است. البته اشاره شد که برخی از شخصیت‌های بیان شده در اسناد شیخ صدوق برای وی قابل قبول هستند اما نامی از آنها در کتاب‌های مشهور رجال نیامده است و به عنوان مشایخ شیخ صدوق شناخته می‌شوند (نجاشی، *رجال*، ص ۲۶۱ و ۲۶۲؛ طوسی، *فهرست*، ص ۴۱۲، ۴۲۵).

برای خبر که در کتاب‌های دیگر وی طرح شده است، اشاره می‌کند. چنان‌که در خبر ۶۰ به طریق دیگر در کتاب *خصال*، در خبر ۶۳ به طریق دیگر در کتاب *کمال‌الدین و تمام النعمه* و در خبر ۱۷۳ به طریق دیگر در کتاب *مدینه العلم* اشاره دارد.

یکی از مواردی که از رویکرد نص‌گرایی شیخ صدوق گرفته می‌شود و می‌توان از آن به عنوان ویژگی تاریخ‌نگاری وی یاد کرد، توجه وی به عبارات دشوار و مبهم در برخی اخبار است. شیخ صدوق در این موارد، پس از بیان خبر به صورت کوتاه به توضیح و تفسیر متن خبر می‌پردازد. برای نمونه، می‌توان به نخستین خبر باب ۴۰ *عیون اخبار الرضا* اشاره کرد.^۱

مطابق این خبر، امام رضا علیه السلام خود را به حضرت یوسف علیه السلام تشبیه می‌کند، اما به دلیل وجود برخی دشواری‌ها در فهم معنای حدیث، شیخ صدوق به تفسیر آیه مورد استناد امام علیه السلام اشاره می‌کند.^۲ نکته جالب دیگر آن‌که شیخ صدوق برای توضیح و تفسیر عبارات به دیگر کتاب‌های تخصصی مراجعه می‌کند. برای نمونه، او درباره این خبر، مطلبی را از *تفسیر عیاشی* (د. حدود ۳۲۰ق) برداشت می‌کند و در انتهای روایت بیان می‌کند.^۳ در موردی دیگر، پس از بیان اخباری مربوط به حضرت اسماعیل علیه السلام، به تفسیر آرای موجود درباره این خبر می‌پردازد.^۴

۱. صدوق، *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، ج ۲، ص ۲۵۲-۲۵۴.

۲. در این خبر آمده است که امام در پاسخ به این پرسش که چرا قرار گرفتن در مقام و جایگاه را از جانب مأمون پذیرفتید؟ به آیه ۵۵ سوره یوسف اشاره نمود و شیخ صدوق در توضیح بخشی از آیه آورده است: «این‌که حضرت فرمود اجعلنی علی خزائن الارض انی حفیظ علیم؛ من حافظ اموالی هستم که در اختیار من قرار گیرد و به هر زبانی دانا می‌باشم» (همان).

۳. عیاشی، *تفسیر عیاشی*، ج ۲، ص ۱۸۱.

۴. صدوق، *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، ج ۱، ص ۳۲۴.

در همین راستا، شیخ صدوق در موارد متعدد، مخاطب را به اخبار بیان شده در دیگر کتاب‌های خود ارجاع می‌دهد. برای نمونه در برخی موارد، خوانندگان را به *علل الشرایع*^۱، *ابطال الغلو و التفویض*^۲، *خصال*^۳، *کمال الدین و تمام النعمه*^۴، *النبوه*^۵، *مولد فاطمه و فضائلها*^۶ و *شرح الاخبار*^۷ ارجاع می‌دهد.

شاخص مهم مکتب حدیثی قم، برخورد با غالیان بود که می‌توان آن را نوعی رویکرد انتقادی از سوی شیخ صدوق نسبت به احادیث دانست. بررسی‌ها تلاش فراوان مکتب قم برای مقابله با ادبیات غلات را نشان می‌دهند.^۸ در موضوع جلوگیری شیخ صدوق از گزارش‌های غالیان، با توجه به شواهد موجود در برخورد شدید وی با مسئله غلو^۹ می‌توان به تلاش وی در عدم بیان گزاره‌های تاریخی پی برد. چنان‌که در *عیون اخبار الرضا*^{۱۰} در باب «ما جاء عن الرضا علیه السلام فی وجه دلائل الائمه و الرد علی الغلاة و المفوضه» آرای خود در برابر غالیان را طرح می‌کند.

باید توجه شود که در دوره شیخ صدوق، مکتب حدیثی قم این وظیفه را برعهده داشته است که در سال‌های نخست غیبت امام علیه السلام با بیان و ترویج احادیث، فضایی امید بخش و اطمینان بخش را به منظور پای‌بندی بیشتر شیعیان به باورهایشان به وجود آورد. یکی از

۱. همان، ج ۲، ص ۹۲.

۲. همان، ص ۲۲۴.

۳. همان، ج ۱، ص ۵۵.

۴. همان، ص ۵۷، ۶۹.

۵. همان، ص ۱۹۱، ۲۸۵.

۶. همان، ص ۲۰۳.

۷. همان، ص ۲۸۵.

۸. برای اطلاع تفصیلی، رک: جباری، مکتب حدیثی قم، ص ۷۶-۷۹.

۹. برای نمونه درباره آثار شیخ صدوق در رد غالیان، رک: نجاشی، رجال، ص ۲۷۶-۲۷۹.

آسیب‌های این امر، باز شدن راه برای افراط‌گرایان در مقام ائمه علیهم‌السلام بود که فعالیت‌های مهمی در این راستا صورت گرفت.^۱

با این حال، مطابق آرای برخی عالمان بغداد، هم‌چون شیخ مفید (د. ۴۱۳ق) و سید مرتضی (د. ۴۳۶ق) و با وجود تلاش‌های صورت گرفته، جریان غالی در برخی موارد، تأثیر خود را در محیط فکری مکتب قم گذارده است^۲ و نشانه آن، حضور نادر برخی غلات در سلسله اسناد *عیون اخبار الرضا* علیه‌السلام است.^۳

در جمع بین رویکرد نص‌گرایانه شیخ صدوق و نگاه انتقادی وی باید تأکید نمود که مقصود از نص‌گرایی این نیست که شیخ صدوق با هر گونه، استدلال عقلی برای اثبات یا حل موضوعات دینی و یا قبول و رد اخبار مخالف بود.^۴ بلکه، شیوه سنت‌گرایی حدیثی سبب می‌شد مبانی ساختاری علوم دیگر به نوعی در انزوا قرار گیرد.

آنچه در تبیین انتقادی آرای شیخ صدوق لازم است در بخش گذشته که مربوط به ویژگی‌های تاریخ‌نگارانه شیخ صدوق است، بیان گردید. مؤید این رویکرد، نتیجه برخی تحقیقات است که مطابق با آن، بهره‌گیری از دلایل و الزامات عقلی به‌وسیله شیخ صدوق، او را به حلقه واسطی میان‌اندیشه محدثان قم و مکتب کلامی بغداد تبدیل می‌کند.^۵

۱. درباره صورت‌های مختلف مقابله با این آسیب، ر.ک: جباری، مکتب حدیثی قم، ص ۳۷۵-۳۹۴.

۲. برای اطلاع از اختلافات میان دو مکتب قم و بغداد، ر.ک: جعفری، «مقایسه ای میان دو مکتب فکری شیعه در قم و بغداد»، *سلسله مقالات فارسی کنگره شیخ مفید*، ش ۶۹؛ مکدرموت، *آرای علم الکلام عند شیخ المفید*.

۳. برای نمونه می‌توان از احمد بن هلال، حسین بن عبیدالله و صالح بن عقبه نام برد (صدوق، *عیون اخبار الرضا* علیه‌السلام، ج ۱، ص ۹، ۸۷، ۲۹۳؛ ج ۲، ص ۵۶). در باره روش غالبانه این افراد، ر.ک: طوسی، *رجال* و ابن غضائری.

۴. شیخ صدوق استدلال‌های عقلی کلامی را که برای تقویت مذهب و در حمایت از آرای شیعیان به کار می‌رفت، محکوم می‌نمود (مفید، *تصحیح الاعتقاد*، ص ۱۶۹-۱۷۱).

۵. طالقانی، *شیخ صدوق*، ص ۲۳۹.

۴-۲. بینش امام شناسانه و فضیلت‌گرایانه

امام حسن عسکری علیه السلام (د. ۲۶۰ق) در حالی از دنیا رفتند که جانشین ایشان برای توده مردم مشخص نبود و این موضوع سبب شد جامعه شیعی تا مدت‌ها گرفتار اختلافات داخلی فرقه‌ای و کلامی شود.^۱ آنچه وضعیت را برای شیعیان دشوار می‌کرد، تلاش فرقه‌های مختلف برای مقابله با امامیه و اندیشه‌های آنان بود.^۲

در این دوران، فعالیت گسترده علمای اهل سنت سبب شکل‌گیری و رونق جوامع حدیثی و رشد علمی آنان گردید و شیعیان زیدی و اسماعیلی، فعالیت‌های سیاسی را در برابر حکومت دنبال می‌کردند.^۳ بنابراین، امامیه در برابر دو رویکرد حدیث‌گرای اهل سنت و عمل‌گرای زیدیه و اسماعیلیه، وضعیت اجتماعی و سیاسی مناسبی نداشت. این شرایط می‌توانست مکتب امامیه را با مشکلاتی روبه‌رو نماید.

مکتب حدیثی قم و شیخ صدوق در چنین شرایطی، ثبت و ترویج اخبار اهل بیت علیهم السلام و ارائه آموزه‌های امام شناسانه را در دستور کار خویش قرار دادند. این رویکرد، زیر مجموعه روش کلامی شیخ است که در بررسی‌های گزینش اخبار^۴ در *عیون اخبار الرضا* علیه السلام می‌توان آن را پی‌گیری کرد. شیخ صدوق در گزینش اخبار مربوط به عصر امام رضا علیه السلام و مسائل

۱. نیومن، دوره شکل‌گیری تشیع دوازده امامی، ص ۱۰۹.

۲. درباره فعالیت محدثان در این دوره، رک: معارف، درآمدی بر تاریخ حدیث شیعه، ص ۶۷-۸۲.

۳. نیومن، دوره شکل‌گیری تشیع دوازده امامی، ص ۱۰۹.

۴. مهم‌ترین شاهد این گزینش آن است که شیخ صدوق از برخی اخباری که در اختیارش بوده است، برای نگارش *عیون اخبار الرضا* علیه السلام استفاده کرده است. چنانچه برخی اخبار کتاب کافی درباره امام رضا علیه السلام در کتاب شیخ بیان نمی‌شود. برای مشاهده اخبار بیان شده در کتاب *عیون*، رک: صدوق، *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، ج ۲، ص ۲۷۴، ۲۷۵. برای نمونه درباره روایات بیان نشده در کتاب *عیون*، رک: کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۲۱؛ ج ۶، ص ۴۷۹.

سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این دوره، گزارش هایی را در کتاب عیون بیان می کند که به طور مستقیم^۱ و یا غیر مستقیم^۲ با باورهای اساسی شیعه ارتباط دارد.

نفس انتخاب و پرداختن به گزارش های مربوط به تاریخ و سیره امام رضا علیه السلام با هدف دفاع از حریم اهل بیت علیهم السلام بوده است. چنان که شیخ صدوق در مقدمه کتاب تأکید می کند، نگارش کتاب، کوششی برای توجه مردم به امام رضا علیه السلام و محل اتحاد و دل گرمی بودن مزار او برای شیعیان بوده است.^۳ در این راستا می توان به ثبت تفصیلی مناظرات امام علیه السلام در این کتاب اشاره کرد که طرح آن می توانست سبب افزایش اطمینان باورمندان به مکتب امامیه و مانعی در برابر حمله کلامی فرق دیگر به حریم امامت باشد.^۴

هم چنین، بیان معجزات امام علیه السلام در بین اخبار، اقدامی برای آرام نمودن قلوب شیعیان در دوران گرفتاری و مشکلات اجتماعی و سیاسی بود.^۵ در این دوره شبهات متعددی پیرامون قبول ولایت عهدی به وسیله امام رضا علیه السلام در میان مسلمانان وجود داشت که اخبار بیان شده از امام رضا علیه السلام و فرزندان ایشان در عیون می توانست پاسخی مناسب در این امر باشد.^۶

۱. برای نمونه در مناظراتی که امام علیه السلام به طور مستقیم به شبهات کلامی پاسخ می دهند، رک: صدوق، عیون اخبارالرضا علیه السلام، ابواب ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۳۲، ۵۶، ۵۸.

۲. برای نمونه در طرح ویژگی هایی چون علم و عصمت و یا بیان معجزاتی برای امام علیه السلام، رک: همان، ابواب: ۳۷، ۴۱، ۴۷، ۴۹، ۵۳، ۵۴.

۳. چهار باب پایانی کتاب به زیارت معصومان علیهم السلام مربوط است (همان، ج ۲، ص ۴۹۸-۵۴۹).

۴. همان، ج ۱، ص ۲۳۸-۲۹۷؛ در پاسخ به پرسش های کلامی اصحاب و یاران، رک: همان، ج ۲، ص ۴۴۰-۴۴۸.

۵. همان، ج ۲، ص ۳۳۷-۴۲۷.

۶. برای نمونه درباره شبهات ولایت عهدی رک: همان، ج ۲، ص ۲۵۲-۳۱۰.

بررسی اخبار عیون اخبارالرضا علیه السلام نشان دهنده محور بودن شخص امام است. چنان که در عیون اخبارالرضا علیه السلام، خبری که ارتباط وثیقی با امامیه و امام‌شناسی ندارد، یافت نمی‌شود. نکته مهم دیگر آن که در بینش امام شناسانه شیخ صدوق، به نگارش اخباری که فضایل امام رضا علیه السلام را نشان می‌دهد بیش از دیگر اخبار توجه می‌شود.

مقایسه میان اخبار عیون اخبارالرضا علیه السلام با کتاب‌هایی، چون تاریخ طبری نشان می‌دهد که در تاریخ طبری، بیان اخبار مربوط به شخصیت‌های دینی و نگارش درباره تاریخ ولایت‌عهدی امام رضا علیه السلام خالی از هرگونه، فضایل‌نگاری است.^۱ برخلاف شیخ صدوق که کمتر خبری درباره ولایت‌عهدی آن حضرت بیان می‌کند که در آن به فضیلت و برتری امام رضا علیه السلام اشاره نشده باشد.^۲

رویکرد فضیلت‌گرایانه شیخ صدوق، همان‌طور که پیش از این طرح گردید، موجب ورود برخی اخبار از سوی غالیان و افراد غیر قابل اعتماد شد. برای نمونه می‌توان از أحمد-بن‌الحسین بن سعید، احمد بن هلال، سیاری، صالح بن عقبه، عبدالله بن القاسم بن الحارث و عبدالله بن سنان نام برد که در کتاب‌های رجال شیعه، به عنوان غالی معرفی می‌گردند و دروغگو و فاسد مذهب نامیده می‌شوند.^۳ هم‌چنین، می‌توان واقفیان‌مانند علی بن سماعه و حسن بن علی بن ابی حمزه و زیدیان‌مانند حسن بن علی الاطروش و محمد بن حسان رازی را نام برد.^۴

۱. طبری، تاریخ طبری، ج ۸، ص ۵۵۳-۵۵۸.

۲. برای نمونه، رک: صدوق، عیون اخبارالرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۵۵-۳۷۶. این تفاوت متأثر از گرایش‌های مذهبی آن دو است اما به طور طبیعی در تاریخ‌نگاری آنان تأثیر گذارده است. باید توجه داشت که مقصود از طرح چنین مقایسه‌هایی، برتری کار مورخانی چون طبری بر مورخان امامیه نیست.

۳. نجاشی، رجال؛ طوسی، رجال، ذیل اسامی یاد شده.

۴. همان.

این رویکرد سبب شد تا گاه مطالبی فراتاریخی و در تناقض با مسلمات عقلی و تاریخی در تاریخ‌نگاری وی راه یابد. برای نمونه می‌توان به خبری اشاره کرد که مطابق با آن، عده زیادی در یک شب، زخم‌های عمیقی را به وسیله شمشیر در بدن امام علیه السلام ایجاد می‌کنند، اما اثری از این جراحات در صبح فردا در بدن امام علیه السلام وجود ندارد.^۱ متن این خبر دارای تناقضات درونی فراوان است.

هم‌چنین، می‌توان به طی الارض نامتعارف امام علیه السلام^۲ و داستان کشتی‌گرفتن امام علی علیه السلام (د. ۴۰ق) با ابلیس^۳ اشاره نمود که در ابعاد گوناگون، می‌توان آنها را نقد کرد. مطابق عقیده برخی که پذیرش آن دشوار به نظر می‌رسد، شیخ صدوق در بیان فضایل اهل بیت علیهم السلام به ضعف سندی کمتر توجه می‌نماید.^۴

یکی دیگر از آسیب‌های رویکرد فضیلت‌گرایانه، فراوانی روایت‌های داستانی از یک حادثه است که با روایت تاریخی تفاوت دارد. این تفاوت به دلیل افزودگی‌ها و کاستی‌هایی است که در روایت اصلی پدید آمده است و صورتی داستانی به آن می‌دهد.^۵

باید توجه داشت که یکی از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری در قرون نخستین آن است که در بسیاری موارد، یک خبر با جزئیات و دقت‌های متعدد بیان می‌شد و همین امر در بسیاری موارد، نشان دهنده عدم ساختار تاریخی آنها است.^۶ با آن که شیخ صدوق در بیشتر موارد، اخباری را بیان می‌کند که از انسجام داخلی برخوردار هستند، اما محتوای اخبار در موارد گوناگونی، صورتی داستانی به خود می‌گیرد.

۱. صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۷۵.

۲. همان، ج ۲، ص ۹۳.

۳. همان، ج ۱، ص ۷۲.

۴. طباطبایی، حیات و شخصیت علمی شیخ صدوق، ص ۱۲۹.

۵. ر.ک: جعفریان، منابع تاریخ اسلام، ص ۴۵۳.

۶. پاکتچی، گفتارهایی در نقد متن، ص ۲۰۲.

به عبارت دیگر، در این موارد به جزئیاتی اشاره می‌شود که گاه قابل فهم و اندازه‌گیری دقیق نیست و ساخته و پرداخته راوی است. اخبار مربوط به خریدن تکتیم مادر امام-رضا علیه السلام^۱، ساکن شدن امام رضا علیه السلام در منزلی در راه نیشابور^۲ و تقاضای نیشکر به‌وسیله امام علیه السلام در فصل تابستان^۳ می‌تواند نمونه‌ای از آن معرفی شود.

۵. نتیجه

فعالیت شیخ صدوق در *عیون اخبارالرضا* علیه السلام با توجه به تعاریف موجود از تاریخ‌نگاری و وقایع‌نگاری، مقایسه روش تاریخ‌نگاری شیخ صدوق با برخی از مورخان نام آور، چون طبری و یعقوبی و برخورداری از برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های نوشتار تاریخی، چون گزینش، دسته‌بندی، چینش اخبار، حضور عنصر رخداد در موضوعات، توجه به گروه‌های خبری، توجه به آرای دیگر مورخان و محدثان در گزارش وقایع و در نظر داشتن مجموع قراین در ارزیابی اخبار، می‌تواند به عنوان فعالیتی مانند کارهای مورخان و از ارزشمندترین آثار مجموعه تاریخ‌نگاری روایی امامیه معرفی شود.

با این حال، دو رویکرد نقش مهمی در روش تاریخ‌نگاری شیخ صدوق دارند. نخست رویکرد نص‌گرایانه که سبب می‌شود از دخالت مستقیم عقل در بیان اخبار جلوگیری شود. همچنین، اخبار تنها در شکل حدیث گزارش می‌شود و سند نقش مهمی در بیان اخبار دارد.

البته این رویکرد، همراه با نگاهی انتقادی نسبت به اخبار بوده است و همین سبب شده است که غالبان و جاعلان دارای نفوذ کمتری در بیان اخبار باشند و در بخشی از

۱. صدوق، *عیون اخبارالرضا* علیه السلام، ج ۱، ص ۱۶-۲۰.

۲. همان، ج ۲، ص ۴۴۲.

۳. همان، ص ۴۲۷.

موارد، شیخ صدوق به ارزیابی درستی و نادرستی اخبار پردازد. رویکرد امام شناسانه و فضیلت گرایانه شیخ صدوق، دیگر بینش اثرگذار وی بر گزاره‌های تاریخی عیون اخبار الرضا علیه السلام است. فضیلت گرایی بخشی از نیاز مهم جامعه شیعه را برطرف می‌کند، و سبب شده است گاه برخی اخبار ناصحیح در گزارش‌های تاریخی کتاب عیون مشاهده شود.

منابع

۱. آغایلی، امیر، «نقش موضوع در روشن ساختن مفهوم متن تاریخ‌نگارانه»، فصلنامه تاریخ اسلام، ۱۳۹۵، ش ۶۶.
۲. ابن‌الدیم، محمد بن اسحاق، فهرست، تهران: اساطیر، ۱۳۸۱.
۳. ابوعلی سلامی، حسین بن احمد، اخبار ولایت خراسان، تهران: مؤسسه نشر میراث مکتوب، ۱۳۹۰.
۴. بخشی، منصوره، تاریخ‌نگاران امامیه از قرن سوم تا هفتم، قم: معاونت پژوهشی جامعه الزهراء (ع)، ۱۳۹۳.
۵. برقی، احمد بن محمد، رجال، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
۶. پاکتچی، احمد، گفتارهایی در نقد متن، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۵.
۷. پاکتچی، احمد، روش‌شناسی تاریخ، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۲.
۸. جباری، محمدرضا، مکتب حدیثی قم، قم: آستان مقدس حضرت معصومه (ع)، ۱۳۸۴.
۹. جعفری، یعقوب، «مقایسه ای میان دو مکتب فکری شیعه در قم و بغداد»، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ش ۶۹.
۱۰. جعفریان، رسول، منابع تاریخ اسلام، تهران: نشر علم، ۱۳۹۳.
۱۱. جلالی، مهدی، «نگاهی به فراز و فرود کارنامه حدیث‌نگاری شیخ صدوق»، کتاب‌قیم، ۱۳۹۰، ش ۲.
۱۲. جمعی از نویسندگان، جستارهایی در مدرسه کلامی قم، قم: دارالحدیث، ۱۳۹۵.
۱۳. حسن زاده، اسماعیل، «بینش و روش در تاریخ‌نگاری عتبی»، تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، ۱۳۸۸، ش ۳.
۱۴. حضرتی، حسن، روش پژوهش در تاریخ‌شناسی، تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱.
۱۵. خانجانی، قاسم، شیخ مفید و تاریخ‌نگاری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.
۱۶. داداش‌نژاد، منصور، «تاریخ‌نگاری شیعیان در سده‌های نخستین»، نامه تاریخ پژوهان، ۱۳۸۶، ش ۱۰.
۱۷. رحمتی، «نکاتی درباره اهمیت آثار شیخ صدوق»، فصلنامه علوم حدیث، ۱۳۸۲، ش ۳۰.
۱۸. زرسان، عاطفه، «روش شیخ صدوق در کمال‌الدین و تمام‌النعمة»، حدیث پژوهی، ۱۳۹۲، ش ۹.
۱۹. شرفی، محبوبه و حاج عینی، معصومه، «بینش و روش در تاریخ‌نگاری حافظ ابرو»، مطالعات تاریخ اسلام، ۱۳۹۴، ش ۲۴.
۲۰. صدوق، محمد بن علی، الاعتقادات فی دین الامامیه، تحقیق مازندرانی، بی‌جا: بی‌نا، ۱۴۱۲ق.
۲۱. عیون اخبارالرضا (ع)، تصحیح حسین اعلمی، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۹۸۴ق.

۲۲. _____ کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه مدرسین، بی تا.
۲۳. _____ خصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه مدرسین، بی تا.
۲۴. _____ هدایه، قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام، ۱۴۱۸ق.
۲۵. _____ علل الشرایع، نجف: المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۶.
۲۶. _____ من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۲۷. صفری فروشانی، نعمت الله، «بررسی دو اثر تاریخ نگاری شیخ صدوق»، تاریخ پژوهان، ۱۳۸۶، ش ۱۰.
۲۸. طالقانی، سید حسن، شیخ صدوق، قم: پژوهشکده کلام و فلسفه اسلامی، ۱۳۹۴.
۲۹. طباطبایی، محمد کاظم، «حیات و شخصیت علمی شیخ صدوق»، حدیث اندیشه، ۱۳۸۳، ش ۱۰ و ۹.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن، الغبیه، بیروت: دارالکتاب الاسلامی، بی تا.
۳۱. _____ فهرست، بی جا: مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
۳۲. _____ رجال، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۳ق.
۳۳. طبیبی، سید محمد، «تاریخ نگاری یعقوبی سیری در روش و درونمایه»، ماهنامه معرفت، ۱۳۸۳، ش ۷۷.
۳۴. عاملی، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف، ۱۴۰۶ق.
۳۵. عبداللهی، صمد، «معانی الاخبار و سبک نویسنده در نگارش آن»، شیعه شناسی، ۱۳۸۶، ش ۲۰.
۳۶. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، تهران: المكتبه الاسلامیه، بی تا.
۳۷. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، الوافی، اصفهان: عطر عترت، ۱۴۳۰ق.
۳۸. قراملکی، احد، روش شناسی مطالعات دینی، مشهد: دانشگاه رضوی، ۱۳۸۵.
۳۹. کاکایی، قاسم، «عرضی ذاتی به عنوان معیار تمایز علوم»، مجله علوم انسانی دانشگاه سمنان، ۱۳۸۸، ش ۱۰.
۴۰. کشی، اختیار معرفه الرجال، تحقیق سید مهدی رجائی، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۴ق.
۴۱. مدیر شانه چی، کاظم، علم الحدیث، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۸۲.
۴۲. محمدی، ذکرا الله و آدینه‌وند، مسعود؛ «بینش و روش در تاریخ نگاری و تاریخ نگری حمد الله مستوفی»، تاریخ نگری و تاریخ نگاری، ۱۳۹۳، ش ۱۴.
۴۳. محمودی، جلال، «روش تاریخ نگاری محمد بن جریر طبری»، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، ۱۳۹۳، ش ۳۸.

۴۴. معارف، مجید، «درآمدی بر تاریخ حدیث شیعه»، دانشگاه ایلیاناب، ۱۳۷۶، ش ۱۱۰.
۴۵. _____، محدث صادق، تهران: چاپ همشهری، ۱۳۸۹.
۴۶. مفید، محمد بن محمد، تصحیح الاعتقاد/الامامیه، بی جا: المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
۴۷. مکدرموت، آرای علم الکلام عند شیخ المفید، مشهد: مجمع البحوث الاسلامی، ۱۴۱۳ق.
۴۸. موسوی، سید محسن، زمینه‌ها و سرچمه‌های فکری شیخ صدوق، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم حدیث قم: ۱۳۹۰.
۴۹. نجاشی، احمد بن علی، رجال، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
۵۰. نیومن، اندره جی، دوره شکل‌گیری تشیع دوازده امامی، ترجمه مؤسسه شیعه شناسی، قم: ۱۳۸۶.
۵۱. یعقوبی، احمد بن واضح، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر، بی تا.
۵۲. _____، البلدان، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، بی تا.